



کارگران با سازماندهی می توانند توازن قوا را تغییر دهند!

صادق کار



بدنه‌شان و مصلحت‌جویی، در حرف سرکوب برخی اعتراضات صنفی را محکوم می‌کنند، اما واقعیت آن است که آن‌ها به خاطر وابستگی‌شان به دولت و منافع و امتیازاتی که از این بابت نصیب‌شان می‌شود، دشمن تشکل‌های کارگری مستقل و عناصر صنفی مبارز که از دل مبارزات کارگران بیرون آمده هستند. تشکل‌های مذکور این دشمنی را به کرات در عمل نشان داده‌اند و کم‌ترین تردیدی نسبت به عمل‌کرد مخرب‌شان در میان اکثریت کارگران دیگر وجود ندارد.

روند اعتراضات رشد‌یافته کارگری، نه مطلوب کارفرمایان، نه حکومت و نه تشکل‌های فرمایشی دولتی است. تلاش همه‌ی آن‌ها جلوگیری از رشد مبارزات حق‌طلبانه‌ی کارگران و مجازات رهبران آن است. وجود این اشتراک موجب همکاری آنها علیه جنبش کارگری می‌شود و هرچه اعتراضات کارگری بیشتر می‌شود، انسجام بین این عناصر نیز فزونی می‌گیرد و رفتار آنان نیز فریب‌کارانه‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

مدیریت عنصر کارکشته‌ای چون علی ربیعی بر وزارت کار و امور کارگری، که تبحر ویژه‌ای در سرکوب نرم و زمخت دارد، به نوبه‌ی خود در ایجاد این هماهنگی نقش بسزایی دارد. ربیعی می‌داند که نقطه‌ی قوت جنبش کارگری همبستگی و تشکل‌یابی است و نقطه‌ی ضعف آن، تشکل‌نایافتگی و پراکندگی است. وظیفه‌ی او در واقع در سال‌های پس از انقلاب از بین بردن همبستگی و در هم شکستن

بنا بر گزارش «ایلنا»، شعبه‌ی ۱۰۳ دادگاه عمومی «بندر امام خمینی»، چهار تن از فعالین صنفی شاغل در شرکت پتروشیمی «رازی» را به دلیل فعالیت صنفی به شش ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم کرده است.

ظاهراً این بار نیز مانند غالب اوقات، بهانه‌ی محاکمه شکایت کارفرما، و دلیل محکومیت فعالین صنفی «اخلال در نظم» و «توهین و تهدید» و مواردی از این قسم بوده‌اند. مع‌الوصف اکثر اتهامات کارفرما به خاطر بی‌پایه بودن‌شان و دفاعیات قوی این چهار فعال صنفی از خود، به استثنای «اخلال در نظم» (بخوان اعتصاب) توسط دادگاه رد شدند. با این وجود، دادگاه در پایان این محاکمه‌ی کارفرما فرموده، هریک از کارگران را در واقع به دلیل پیگیری مطالبات صنفی کارگران شرکت رازی و شرکت در سازماندهی اعتصابی که در ۲۸ بهمن ۹۲ شکل گرفت، به زندان و شلاق محکوم کرد و این بار نیز دادگاه (عدل اسلامی) جانب کارفرما را گرفت.

تا کنون در حالی که «اتحادیه‌ی آزاد کارگران» و تعدادی از سازمان‌های کارگری نسبت به محاکمه و محکومیت چهار فعال صنفی واکنش نشان داده و آن را محکوم کرده‌اند و قطعاً سایر تشکل‌های کارگری غیر دولتی نیز رفتار مشابهی از خود نشان خواهند داد، اما تشکل‌های دولتی مدعی حقوق کارگر، کماکان به طرز مودبانه‌ای از اتخاذ موضع نسبت به احکام دادگاه خوداری می‌کنند.

این تشکل‌ها به رغم این که پاره‌ای اوقات تحت فشار



تشکل‌های کارگری بوده و او این را تجربه کرده است. فرآیند اعتراضات کارگری در سال‌های اخیر که تلاش برای سازمان‌یابی از خصیصه‌های بارز آن است، دارد همه‌ی تلاش‌های سرکوبگرانه‌ی ریبیعی و هم‌دستانش علیه جنبش کارگری را که وی مفتخر به آن بود از بین می‌برد. به همین جهت، شگرد تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن جزء مهمی از استراتژی او جهت سرکوب جنبش کارگری است. مروری بر موضوع‌گیری‌های ریبیعی در یک سال گذشته مؤید این حقیقت است.

ارتقاء آگاهی کارگران و کشاورزان بی‌زمین، توضیح حق آنان طبق قانون اساسی و ایجاد هماهنگی در میان آنان برای اشغال اراضی، توسط فعالان مردمی.

رای‌زنی (لابی‌گری) در حکومت برای افزایش اعتبارات کشاورزی و تقویت خدمات کشاورزی برای مزارع خانوادگی و نیز برای تسریع اصلاحات ارضی، توسط رهبران وجیه‌المله.

اشغال بانک‌ها و ساختمان‌های دولتی برای ارتقاء آگاهی نسبت به اصلاحات ارضی و اعمال فشار بر حکومت برای انجام وعده‌های خود دایر بر حمایت از کشاورزان تهیدست.

سازماندهی کارزارهای سراسری برای آموزش اهالی کشور در باره‌ی آثار محتمل توافقات تجارت آزاد و جنبه‌های منفی ارگان‌نیم‌های به لحاظ ژنتیک تغییر یافته.

تثبیت همکاری‌های بین‌المللی از طریق ساختارهایی چون فوروم اجتماعی بین‌المللی و «راه کشاورزان» *Via Campesina* جنبش بین‌المللی کشاورزان) برای تبادل تجربه و ایجاد یک جبهه‌ی واحد علیه سلطه‌ی شرکت‌های چندملیتی.

با دست یافتن به کنترل جمعی بر زمین، اشکال متنوعی از کشت اشتراکی یا تولید مشترک محصولات دیگر در سطحی وسیع به کار گرفته می‌شوند. کوشش این است که حتی‌الامکان از کشت تک محصولی و استفاده از کودهای شیمیایی کاسته و کشت محصولات متنوع و ارگانیک‌تر به جای آنها پیشه شود.

جنبش کارگران بی‌زمین برنامه‌های آموزشی و مدرسی را، در ابعاد توده‌گیر و با تضمین برخورداری از بهداشت و دیگر خدمات اجتماعی، سازمان داده است. به علاوه، این جنبش با پیش‌برد کارزارهای توده‌گیر علیه فتا (منطقه‌ی آزاد تجاری در قاره‌ی امریکا FTAA) و سازمان تجارت جهانی، در خط مقدم مقاومت در برابر جهانی‌سازی نئولیبرالی قرار گرفته است.

جنبش کارگران بی‌زمین در جریان انتخابات با حفظ موضع انتقادی، از حزب چپ‌گرای کارگران در برابر رقبای دست

در ارتباط با اعتصاب شرکت رازی، تیم وزارت کار، کارفرما و تشکل‌های دولتی سعی کردند با توسل به شگرد های فریبنده، هم کارگران پیمانی و رسمی را به جان هم بیندازد و پتانسیل اعتراضی قوی و تشکل‌یابی را با ایجاد تفرقه در میان کارکنان خنثی نمایند؛ و هم وقتی نمایندگان کارگران را محکوم کردند، زمینه‌ی اعتصاب به خاطر آن را محدود کنند. در این کار آن‌قدر پیش رفتند که زیر لوای "کامنت آن‌لاین" در "ایلنا" مطالب مجهول و زهرآگینی را به نام کارگران پیمانی و رسمی که چیزی جز ایجاد دشمنی نیست منتشر کردند.

کارگران باید این مسئله را جدی بگیرند و به دام این شگردها نیفتند. توسل به چنین شیوه‌هایی نشان‌دهنده‌ی ضعف آنها در مقابل جنبش کارگری و نشانه‌ی قدرت بالقوه‌ی جنبش است. کارگران با سازمان‌یابی می‌توانند توازن قوا را به سود خود آن‌چنان تغییر دهند که دیگر هیچ دادگاهی جرأت محکوم کردنشان به خاطر اعتصاب را نداشته باشند. همان‌گونه که معدن‌چیان بافق توانستند، رهبران‌شان را آزاد کنند و مطالبات‌شان را به کارفرما و دولت تحمیل کنند، کارگران شرکت رازی هم قادر به این کار خواهند شد.

📖 دیگر کشورها:

جنبش‌های رادیکال در امریکای لاتین یک منبع آموزش برای جنبش‌های اجتماعی

بخش دوم
نوشته‌ی آبهی شوکلا

الف. جنبش کارگران بی‌زمین در برزیل – ادامه

تاکتیک‌ها و استراتژی جنبش کارگران بی‌زمین در برزیل

- اعمال فشار بر حکومت برای بازتقسیم زمین‌های حاصل‌خیز کشت نشده در میان کارگران و کشاورزان، از طریق گروه‌های اکسیونی توده‌ای، سازمان‌دهندگان و مبارزان.



اعتصاب ژوئیه ۲۰۱۱ معدن چیان اسکونیدیا



۱۲ فوریه ۲۰۱۴: درگیری پلیس با "ج.ک.ب.ز." جنبش از حکومت می خواهد زمینهای بلااستفاده بیشتری را در اختیار آن بگذارد

این اتحادیه که اکثریت عظیم کارگران معدن را نمایندگی می کند، اعلام کرده است که اعتصاب کار استخراج و عملیات انتقال را متأثر خواهد کرد.

اسکونیدیا، در بخش شمالی «کمریند مسین» شیلی، در سال گذشته ۱۹/۱ میلیون تن مس تولید کرده است. این مقدار ۲۰ درصد مس تولیدی شیلی -بزرگترین تولیدکننده مس در دنیا- است.

اتحادیه کارگری معدن اسکونیدیا در سال گذشته نیز اعتصاب موفق یک روزه ای را سازمان داد، بدون این که اعتصاب تأثیری بر تولید مس کشور داشته باشد. البته این اتحادیه در سال ۲۰۱۱ با دست زدن به اعتصابی دوهفته ای و ایجاد آفت محسوس در تولید، موجب غافلگیری بازار شد.

اتحادیه در اعلامیه منتشره در روز دوشنبه از "تخلفات سیستماتیک اسکونیدیا از ترمهای کار، میزان اضافه کاری، وضع تعطیلات، بهداشت و ایمنی" سخن به میان آورده است و در سایت خود از انجام دیداری با نمایندگان شرکت در روز پنجشنبه ۱۸ سپتامبر برای گفت و گو در باره این موضوعات اطلاع داده است.

اتحادیه می گوید: "اعتصاب هفته ای آینده یک اخطار است. اگر مسائل رفع نشوند، اقدامات ما گسترش خواهند یافت."

شرکت بیلیتون از اظهار نظر در این باره پرهیز کرده است.

شرکت بیلیتون صاحب ۵/۵۷ درصد سهام اسکونیدیا است. شرکت های «ریوتینتو» و «جکو» صاحب به ترتیب ۳۰ و ۱۰ درصد سهام معدن اند.

سودان جنوبی:

ممنوعیت کارگران خارجی در بحروحهی وضع بحرانی

بی.بی.سی، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۴

دولت سودان جنوبی در ابلاغیه ای به سازمان های غیردولتی (ان.جی.او.) و شرکت های خصوصی، به آنان دستور داده است که تا اواسط اکتبر به کار برخی کارگران خارجی شان خاتمه دهند.

راستی آن حمایت کرده است. اما به عنوان جنبشی محکم و مستقل باقی مانده است. این جنبش از فضای ایجاد شده توسط حزب کارگران برای گسترش مبارزه جاری اش برای تحقق حق زمین بهره گرفته است.

جنبش کارگران بی زمین با شعار «اشغال، مقاومت، تولید» نمونه ای از یک جنبش وسیع و پایدار را عرضه کرده است که از طریق نهادهای بدیل و به یمن مبارزاتش، کوشیده است کار اکیداً مشخصی را در راستای کنترل اجتماعی بر منابع، ایجاد سازمان های اشتراکی تولید در دستان تولیدکنندگان، و دسترسی به خدمات اجتماعی مبتنی بر ابتکارات مردمی پیش ببرد. علی رغم دشواری ها و تناقضاتی که این جنبش با آنها روبرو است، تجربه ای آن را می توان روندی شکوفا و عمیقاً الهام بخش برای نیل به نوع جدیدی از جامعهی پساکرمانداری تلقی کرد.

اخبار خارجی:

شیلی:

اعتصاب دو روزه کارگران معدن «اسکونیدیا» در هفته ای آینده

رویتر، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۴

سانتیاگو- اتحادیه کارگری بزرگترین معدن مس دنیا، معدن «اسکونیدیا» شیلی، کارگران این معدن را به اعتصابی در روزهای ۲۲ و ۲۴ سپتامبر فراخوانده است. روز دوشنبه، ۱۵ سپتامبر اتحادیه کارگری این معدن با اعلام این خبر، تصریح کرد که به قصد فلج کردن فعالیت معدن و با هدف بهبود شرایط کار دست به این اعتصاب خواهد زد.

«سندیکای شماره ۱» با انتشار اعلامیه نامنتظره ای در عصر روز دوشنبه، اعلام کرد که ۲۸۰۰ عضو خود را به دو روز اعتصاب در هفته ای آینده در معدن نامبرده، که تحت کنترل «شرکت معدن بیلیتون» قرار دارد، دعوت می کند.



مدیران روابط عمومی، مسئول خرید، کارمند دفتری، دربان و مسئول تدارکات.

هلن آشیرو لوتارا، معاون منشی وزیر کار در گفت‌وگویی با بی.بی.سی. گفت که هدف از این ابلاغیه این است که ۸۰ درصد پست‌ها توسط اهالی بومی اشغال شود.

او گفت که تمام ان.جی.او. ها و شرکت‌های خصوصی -به شمول هتل‌ها و شرکت‌های نفتی- باید این ابلاغیه را رعایت کنند.

سودان جنوبی که در ژوئیه ۲۰۱۱ از سودان جدا و مستقل شد، دارای منابع غنی نفت است، اما در اثر دهه‌ها جنگ داخلی، یکی از کم‌پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا است.



نگرانی این است که ابلاغیه موجب اختلال در کوشش‌ها برای رفع بحران غذا

وزیر کار این کشور اعلام کرده است که در آینده مدارج اداری، از دربان تا مدیرعامل، باید توسط مردم سودان جنوبی اشغال گردند.

سازمان خیریه «آوکسفام» می‌گوید که این تصمیم اثر [منفی] عظیمی بر برنامه‌های کمک‌رسانی خواهد داشت.

حدود دو میلیون تن از مردم، از زمان شروع درگیری‌ها میان دو جناح حکومت در دسامبر سال گذشته، خانه‌های خود را ترک کرده و آواره شده‌اند.

هزاران تن در درگیری‌ها کشته شده‌اند و سازمان‌های کمک‌رسانی می‌گویند که در اثر بحران، خطر مواجهه‌ی بیش از چهار میلیون تن با کمبود غذا وجود دارد. اختلافات بروز یافته میان رییس جمهور، سالوا کیبیر، و معاون‌اش، ریک ماشار، اکنون به یک خشونت قومی تبدیل شده است.

دنيس اوکاري، خبرنگار بی.بی.سی. در کنیا، همسایه‌ی جنوبی سودان جنوبی، می‌گوید فرمان گفته شده می‌تواند هزاران کارگر خارجی را شامل شود و در زمانی بحرانی برای این جدیدترین ملت روی زمین، صادر شده است. طارق ریل، مدیر سازمان آوکسفام در سودان جنوبی می‌گوید: "این کشور بر روی لبه‌ی شمشیر ایستاده است و کاملاً امکان دارد که سال آینده گرفتار قحطی شود. اگرچه تلاش فوق‌العاده‌ای برای کمک به این کشور صورت می‌گیرد، اما این کمک‌ها به دست مردمی که واقعاً به آنها نیاز دارند، نمی‌رسند."

او می‌افزاید: "ما باید برنامه‌ی کمک‌رسانی را گسترش دهیم و نه این که آنها را محدود کنیم." حکومت سودان جنوبی و جامعه‌ی بین‌الملل باید در همکاری با هم، از رساندن کمک‌هایی که برای نجات جان آدم‌ها لازم‌اند، به دست مردم اطمینان یابند."

آوکسفام می‌گوید که اکثریت عظیم کارمندان این سازمان از اهالی سودان جنوبی‌اند اما "خارجی‌های با نقش‌های کلیدی هم کم نیستند."

ابلاغیه‌ی وزارت کار ۹ عنوان شغلی را که از ۱۵ اکتبر توسط اهالی سودان جنوبی باید اشغال شوند، لیست کرده است: مدیر عامل، مدیر امور پرسنلی، منشی،

بریتانیا:

پیرمرد ۸۰ ساله‌ای که نمی‌تواند بازنشسته شود

بی.بی.سی. ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۴



میلیون‌ها شاغل بریتانیایی، خواه کارگر و کارمند و خواه "خودفرما"، فاقد هر گونه بیمه‌ی بازنشستگی‌اند. علی‌رغم تمام هشدارها و پروژه‌های دولتی در این باره، بسیاری از کارگران یا دست به بیمه‌ی خود نمی‌زنند و یا استطاعت لازم برای بیمه‌ی خود را ندارند.

طبق آمارهای دولتی، یک‌سوم صاحبان مشاغل خانگی در شمال شرقی انگلستان فاقد بیمه‌ی بازنشستگی هستند.

یک نمونه‌ی بارز از این وضع چارلز وست، کارگر ۸۳ ساله‌ای است که می‌گوید علی‌رغم سابقه‌ی کار بسیار طولانی، هنوز نمی‌تواند خود را بازنشسته کند، زیرا هرگز قادر به پس‌اندازی برای روزهای پیری خود نبوده است.

او در یک مرکز تلفن در ساندرلند کار می‌کند و مسن‌ترین کارگر این مرکز است. چارلز با توضیح این که چرا نمی‌تواند به کارش خاتمه دهد، به نیروهای جوان توصیه می‌کند که پیش از آن که دیر شود، از بیمه‌ی بازنشستگی‌شان مطمئن شوند.



کارگران ایران:

نابودی قانون کار کلید خورد



در کمال ناباوری در هفته‌ی گذشته شاهد بودیم که دادگاه بندر امام بر اساس ماده‌ی ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، کارگران پتروشیمی «رازی» را به عنوان اوباش و زورگیر خطاب کرد و حکم به محکومیت آن‌ها داد، از آنجا که در جمهوری اسلامی قانون معنایی ندارد، دادگاه عمومی به جای هیات‌های تشخیص و حل اختلاف عمل می‌کند و با نادیده گرفتن قانون کار، رأی به محکومیت کارگران می‌دهد. با توجه به تاثیر گسترده و مخرب این رأی که بعد از این هر کارفرمایی می‌تواند ضمن استناد به رأی دادگاه مذکور، قانون کار را نادیده گرفته و با وارد شدن در مسائل پشت پرده و روابط فاسد در دادگاه‌های عمومی، شرایط را به نفع خود رقم بزند، تعدادی از حقوق‌دانان و فعالان کارگری به تحلیل این رویداد اقدام کردند، که بخشی از آن به شرح زیر تقدیم شما می‌شود:

ناصر زرافشان:

عدم صلاحیت دادگاه عمومی برای رسیدگی به اختلافات روابط کار



در حالی که مرجع تخصصی رسیدگی به اختلافات صنفی کارگر و کارفرما در قانون کار پیش‌بینی شده است، مشاهده می‌کنیم که دادگاه عمومی بندر امام به عنوان مرجع قضایی غیر تخصصی که صلاحیت رسیدگی به اختلافات روابط کار را ندارد، برای بررسی این پرونده از قانونی استفاده کرده است که هدف از تصویب و اجرای آن مقابله با اوباش و زورگیرانی بوده که در ملاءعام اعمال قدرت می‌کنند.

در پی محکومیت چهار نفر از کارگران پتروشیمی رازی به تحمل حبس و شلاق، یک حقوق‌دان گفت: حکم محکومیت این کارگران براساس مستندات فاقد اعتبار است چرا که بر اساس قانون غیر مرتبط صادر شده است. ناصر زرافشان در گفت‌وگو با ایلنا، به صدور حکم تعلیقی زندان و شلاق بر اساس ماده‌ی ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد و با بیان این که "اقدامات اعتراضی سال گذشته‌ی کارگران پتروشیمی رازی بیان‌گر وجود نوعی اختلاف صنفی میان کارگران و مدیریت است"، توضیح داد: در حالی که مرجع تخصصی رسیدگی به اختلافات صنفی کارگر و کارفرما در قانون کار پیش‌بینی شده است، مشاهده می‌کنیم که دادگاه عمومی بندر امام به عنوان مرجع قضایی غیر تخصصی که صلاحیت رسیدگی به اختلافات روابط کار را ندارد برای بررسی این پرونده از قانونی استفاده کرده است که هدف از تصویب و اجرای آن مقابله با اوباش و زورگیرانی بوده که در ملاءعام اعمال قدرت می‌کنند.

این وکیل دادگستری با یادآوری تفاوت‌هایی که میان تجمعات صنفی کارگری و اختلافات روابط کار با قدرت نمایی اوباش خیابانی وجود دارد گفت: به طور مشخص قانون‌گذار در فصل نهم قانون کار مصوب سال ۶۹ تشکیل جلسات سازش در درون کارگاه و هیات‌های تشخیص و حل اختلاف ادارات کار را به عنوان مراجع رسیدگی کننده به اختلافات کارگر و کارفرما تعیین کرده است.

وی افزود: در این پرونده، به صرف کارگر بودن این چهار کارگر، پرونده باید از طریق کمیته‌ی انضباطی و در نهایت مراجع تشخیص و حل اختلاف رسیدگی می‌شد اما اگر این افراد در یکی از تشکلهای صنفی کارگری مورد تأیید قانون کار مانند شورای اسلامی کار، انجمن صنفی و یا نماینده‌ی کارگر عضویت داشته باشند، تخلف احتمالی آن‌ها باید از طریق هیات موضوع ماده‌ی ۲۲ قانون تشکیل شورای اسلامی کار مورد بررسی قرار می‌گرفت.

زرافشان افزود: حتی اگر پتروشیمی رازی به دلیل واقع شدن در محدوده‌ی مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی، تابع مقررات خاص آن مناطق باشد باز هم دلیلی برای آنکه این پرونده در دادگاه عمومی و به استناد قوانین ویژه‌ی مقابله با اوباش خیابانی بررسی شود وجود ندارد.

به باور این حقوق‌دان، تنها زمانی امکان بررسی این پرونده در دادگاه عمومی وجود داشت که یکی از طرفین دعوا با ارتکاب عمل مجرمانه‌ای، همچون ضرب و جرح، باعث می‌شد تا اختلاف به وجود آمده از حالت صنفی خارج شود. وی همچنین در خصوص ادعای "فاقد اعتبار قانونی بودن مستنداتی که در این پرونده مورد استناد واقع شده است"، گفت: در متن رای صادره آمده است که قاضی پرونده پس از بازبینی فیلم دوربین‌های مدار بسته‌ی مجتمع پتروشیمی رازی حکم صادر کرده است و این درحالی است که به موجب رای وحدت رویه دیوان عالی کشور، فیلم ارزش اسنادی ندارد.



وطن‌خواه ضمن انتقاد از واکنش‌های منفعلانه‌ی دیگر تشکل‌های کارگری گفت: متأسفانه تشکل‌های موجود کارگری موضع‌گیری صریح و به موقعی در رابطه با احکام قضایی- حقوقی صادر شده‌ی این چهار کارگر نشان ندادند و واکنش‌های رسانه‌ای تنها عکس‌العمل آشکار به احکام جزایی کارگران موجود بود.

زرافشان بایان این که در بررسی قضایی جرائم کیفری «فیلم» ابزاری است که بازپرس پرونده می‌تواند به کمک آن از افراد مظنون و مطلع تحقیق کند، گفت: از نظر حقوقی در جرائم کیفری ادله جرم محصور است. وی در توضیح این مطلب گفت: در بررسی پرونده‌های کیفری به طور مشخص مستنداتی که قاضی می‌تواند به استناد آنها رای صادر کند، شامل اقرار متهم، اظهارات شهود و آلت جرم می‌شود.

این حکم

خلاف قانون اساسی و قانون کاراست

ناصر آقاجری، کارگر شاغل در منطقه‌ی پارس‌جنوبی در این باره گفت: این حکم در مقابل اعتراض صنفی کارگران، اقدامی خلاف قانون اساسی، قانون کار و مقاوله‌نامه‌های امضا شده‌ی بین‌المللی توسط دولت ایران است. این فعال کارگری ضمن «محکوم کردن» حکم صادره‌ی دادگاه عمومی بخش بندرامام برای چهار کارگر پتروشیمی رازی به این‌گونه گفت: انتساب اتهاماتی از قبیل «تهدید، اخلاف در روند تولید، توهین و تحریک کارگران» خلاف حقوق مدنی، قضایی، شرعی و انسانی هر یک از این کارگران است.

این فعال کارگری در منطقه‌ی ویژه پارس‌جنوبی ادامه داد: بر اساس قانون کار که بر مبنای قانون اساسی این کشور تدوین شده است، کارگران حق دارند بدون دخالت مستقیم دولت، تشکیلات صنفی و نمایندگان خود را داشته باشند.

آقاجری ضمن یادآوری امضای مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی کار توسط دولت، اظهار داشت: دولت ایران تاکنون اعلام نکرده است به مقاوله‌نامه‌های تأیید و پذیرفته شده‌اش در سازمان ملل پای‌بند نیست.

شش‌ماه حبس و پنجاه ضربه شلاق برای چهار کارگر پتروشیمی رازی

سندی دیگر از پایمال کردن مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار



عدم پای‌بندی به مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی کار و فقدان تشکل‌های مستقل کارگری از دلایل اصلی صدور چنین احکام سنگین قضایی است. عبدالله وطن‌خواه، در واکنش به صدور حکم شش‌ماه حبس و پنجاه ضربه شلاق برای چهار کارگر پتروشیمی رازی اظهار داشت: عدم پای‌بندی به مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی کار و فقدان تشکل‌های مستقل کارگری، از دلایل اصلی صدور چنین احکام سنگین قضایی است.

این فعال کارگری در تشریح مقررات بین‌المللی مورد اشاره به این‌گونه گفت: سازمان بین‌المللی کار (ILO) در مقاوله‌نامه‌ی ۱۵۸ و توصیه‌نامه‌های ۱۱۹ و ۱۶۶ هر گونه فعالیت صنفی، عقاید سیاسی و نظایر آن را دلیل موجهی برای اخراج کارگر یا شکایت قانونی کارفرما به حساب نمی‌آورد.

نماینده‌ی کارگران واکيوم پارس ادامه داد: راه‌اندازی اعتصاب به قصد رسیدن به مطالبات مزدی در مجتمع پتروشیمی رازی، ماهیت صنفی اعتراضات این کارگران را نشان می‌دهد.

وی یادآور شد: در اعتراضات کارگران معدن بافق با وجود حمایت امام جمعه و بازپس گرفتن شکایت کارفرما، شاهد آن بودیم که کارگران این معدن به قید ضمانت آزاد شدند و این رویداد تنها نشان‌دهنده‌ی فقدان یک تشکل مستقل صنفی کارگری است.

زهر چشم گرفتن از کارگران

فرش قرمز زیر پای کارفرمای ترکیه‌ای

فرخ شهنی از کارگران شاغل در منطقه‌ی پتروشیمی ماهشهر اعلام کرد: چسباندن انگ‌هایی چون اخلاف در تولید به کارگران، زهر چشم گرفتن از کارگران و وادار کردن‌شان به سکوتی اجباری در موارد مشابه است.

این فعال کارگری در واکنش به صدور حکم شلاق و زندان برای چهار کارگر پتروشیمی رازی به این‌گونه گفت: مطالبه‌ی رفع تبعیضات مزدی نباید توسط مراکز تصمیم‌گیرنده به باج‌خواهی تلقی شود.

مسئول مجمع نمایندگان کارگری بندر امام ادامه داد: چنان‌چه مطالبه‌ی رفع تبعیضات آشکار در کار «باج‌خواهی کارگران» تلقی شود، این اقدام به‌مثابه‌ی جلوگیری از



اجرای عدالت و حق خواهی کارگران به شمار می‌رود.

ریشه‌های بودن مطالبات کارگران حکایت می‌کرد.

وی افزود: تبعیضات آشکار در حقوق و مزد حاکم بر منطقه‌ی پتروشیمی ماهشهر عامل اصلی بروز تنش‌ها در بین کارگران پیمانکاری و کارفرمایان است.

ماجرای ۱۸ دی‌ماه پارسال شروع شد. آن روز، یک‌هزار کارگر پیمانی پتروشیمی رازی در اعتراض به تبعیض حقوقی میان خود و کارمندان رسمی مقابل ساختمان دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند. تکرار این تجمع در روزهای بعد از ریشه‌های بودن مطالبات کارگران حکایت می‌کرد. شاید آن روزها کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد اعتراضات صنفی کارگران پتروشیمی رازی به صدور حکم زندان و شلاق برای نمایندگان‌شان منجر شود، اما چنین شد تا رویارویی قوه‌ی قضاییه با کارگران به مرحله‌ی جدیدی از خود وارد شود.

این فعال کارگری تصریح کرد: صدور حکم مجازاتی چنین سنگین و برجسب‌دار به کارگرانی که کارفرمای اصلی آن‌ها یک شرکت ترکیه‌ای است، نوعی استثماری نیروی کار ایرانی تلقی می‌شود که سود زحمات طاقت‌فرسای‌شان را تقدیم یک شرکت خارجی می‌کنند.

سیستم به نفع سرمایه

رضا نوری از کارگران شاغل در عسلویه با اشاره به نقش حمایتی دولت از کارگران گفت: چنین احکام قضایی نشان دهنده‌ی این است که سیستم در عمل به نفع صاحبان سرمایه عمل می‌کند تا کارگرانی که خالق سرمایه و درآمد آنان هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، پتروشیمی رازی واقع در بندر امام خمینی ماهشهر حدود سه هزار کارگر و کارمند دارد که یک‌هزار و ۸۵۰ نفر از آنان، کارگر پیمانی هستند. کارگران معترض معتقد بودند در حالی که از نظر کیفیت کاری و حتی تحصیلات از کارمندان رسمی کمتر نیستند، تا چندین برابر کمتر از آنان حقوق می‌گیرند. تبعیض شایعی که به اصلی بدیهی در کارخانه‌های پتروشیمی تبدیل شده است.

این فعال کارگری با اشاره به عملکرد متفاوت شرکت نفت در برخورد با اعتراضات صنفی کارگران اظهار داشت: در سال‌های گذشته شاهد این بودیم که کارفرمایان اصلی با نزدیک شدن به زمان انتخابات سیاسی، پیمانکاران را مکلف به جلب رضایت کارگران و پاسخ‌گویی به هر گونه مطالبه‌ی صنفی آنان می‌کنند اما اکنون شاهد رفتاری متفاوت در برابر مطالبات صنفی کارگران هستیم.

البته که رفع تبعیض حقوقی تنها خواسته‌ی کارگران معترض نبود و لحاظ شدن مزایایی چون «سختی کار» در حقوق و بیمه، سرویس رفت و برگشت و ناهار از دیگر مطالبات صنفی آنان بود.

یکی از کارگران معترض در اولین روز تجمع به ایلنا گفته بود مشکلات آنان از زمانی آغاز شده است که ۸۵ درصد سهام پتروشیمی رازی به بخش خصوصی (یک شرکت از کشور ترکیه) واگذار شد، یعنی یک اسفند سال ۸۷. او با ناچیز خواندن حقوق کارگران پیمانی پتروشیمی رازی نسبت به کارمندان رسمی این مجموعه، گفته بود حقوق کارگران پیمانی بین ۵۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان است، اما حقوق ماهانه کارمندان رسمی تا چندین برابر این مبالغ است.

بازخوانی یک اعتراض



ایلنا:

تجمع آرام ۱۸ دی کارگران در روزهای ۱۹ و ۲۲ همان ماه ادامه داشت، چرا که طبق گفته‌ی کارگران، کارفرما به مطالبات آنان توجهی نمی‌کرد.

یکی از کارگران در سومین روز تجمع به ایلنا گفته بود کارفرمای اصلی کارخانه که ساکن ترکیه است، واکنشی نسبت به اعتراض صنفی کارگران نداشته است.

او در عین حال به ایلنا خبر داده بود عصر همان روز، جلسه‌ای میان نمایندگان کارگران، اعضای هیات مدیره‌ی پتروشیمی رازی و شماری از مقام‌های دولتی و امنیتی برگزار می‌شود. این جلسه که با یک روز تاخیر برگزار شد، نتیجه‌ای در برداشت و تجمع کارگران در روز بعد نیز ادامه یافت.

ماجرای ۱۸ دی‌ماه پارسال شروع شد. آن روز، یک‌هزار کارگر پیمانی پتروشیمی رازی در اعتراض به تبعیض حقوقی میان خود و کارمندان رسمی، مقابل ساختمان دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند. تکرار این تجمع در روزهای بعد از

تجمع کارگران در روز ۲۴ دی با سفر رییس جمهور روحانی به استان خوزستان هم‌زمان شد. آنان خواستار حضور روحانی در بندر امام و آگاهی یافتن او از مشکلات کارگران پیمانی بودند.



اگرچه تجمع چندین روزهی کارگران با توزیع اعلامیه‌ای -با محتوای احتمالا تهدیدآمیز- در آن روز خاتمه یافت و نمایندگان کارگران به توافق نیم‌بند جلسه‌ی روز قبل با هیات‌مدیره و مقام‌های دولتی و امنیتی رضایت دادند.

مواد این توافق بدین شرح بود: اجرای مصوبه‌ی افزایش حقوق که از تاریخ ۱ مهر به تعویق افتاده بود، پرداخت معوقات حقوقی کارگران در تاریخ ۲۴ دی، بیمه‌ی تکمیلی کلیه کارگران به همراه خانواده از ابتدای بهمن، اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور برای کلیه کارگران پیمانی، پرداخت هزینه‌ی بازنشستگی ۵۰ کارگر پیمانی با بیش از ۲۰ سال سابقه‌ی کار، توجه بیشتر به مشکلات حقوقی و رفاهی کارگران و برگزاری جلسه‌ای با حضور سهامداران خارجی و داخلی، اعضای هیات‌مدیره و نمایندگان کارگران.

بازگشت به کار چهار تن از کارگران اخراجی، آنان به اعتصاب خود پایان دادند.

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران، علاوه بر چهار کارگری که طی اعتصاب از کار اخراج شده بودند، دو تن دیگر از کارگران نیز دیروز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند که پس از ساعاتی آزاد شدند. بنا بر این گزارش، کارفرمای پروفیل ساوه از میان این شش کارگر با بازگشت به کار چهار تن از آنان موافقت کرده است. به همین دلیل کارگران پروفیل ساوه علی‌رغم پایان اعتصاب اعلام کرده‌اند مبارزه‌ی خود برای بازگشت به کار دو تن از همکارانشان را به اشکال دیگری ادامه خواهند داد.

پس از آن‌که وعده‌های مدیرعامل این واحد تولیدی در موعد مقرر که ۱۸ بهمن ماه بود، عملی نشد، یک هزار کارگر پیمانی پتروشیمی رازی بار دیگر در محوطه کارخانه تجمع کردند.

یکی از کارگران در آن هنگام به ایلنا گفته بود: کارفرما تا به امروز تنها معوقات حقوقی کارگران را پرداخت کرده است و سایر موارد توافق که قرار بود حداکثر در تاریخ ۱۸ بهمن عملی شوند، هنوز اجرا نشده است. البته کارفرما می‌گوید قرارداد بیمه‌ی تکمیلی را منعقد کرده است و اگر کارگران فاکتور هزینه‌های بیمارستان را به امور مالی شرکت تحویل دهند، هزینه‌های درمان آنان پرداخت خواهد شد اما هنوز کارت یا دفترچه‌ای به کارگران ارائه نشده است.

بر مبنای گزارش دیگری که به اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران رسیده است، کارگران نورد لوله‌ی صفا نیز از روز ۲۳ شهریور در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدشان، در اعتصاب به سر می‌برند. به دنبال این اعتصاب، کارفرمای این کارخانه که کارفرمای پروفیل ساوه نیز هست، به کارگران اعتصابی اعلام کرد روز پنج‌شنبه‌ی هفته‌ی جاری مزدشان را پرداخت خواهد کرد. اما کارگران این کارخانه به دلیل تکرار خلف وعده‌های کارفرما اعلام کردند تا زمان واریز دستمزدشان به حساب، به اعتصاب ادامه خواهند داد و به همین دلیل به طور متحدانه‌ای همچنان در اعتصاب به سر می‌برند.

دور دوم تجمعات اعتراضی کارگران پیمانی پتروشیمی رازی سرانجام خوشی برای کارگران به همراه نداشت و با احضار ۸ کارگر این مجموعه به دادسرای عمومی و انقلاب ماهشهر به دلیل شکایت کارفرما از آنان به اتهام اخلاف در نظم و توهین و تهدید خاتمه یافت. احضارهایی که به صدور حکم حبس و شلاق برای ۴ تن از نمایندگان کارگران منجر شده است.

📖 حوادث کار:

گزارش ایرنا از سازمان پزشکی قانونی کشور:
مرگ ۱۲ هزار و ۲۳۶ کارگر در ۱۰ سال

سازمان پزشکی قانونی با هشدار درمورد افزایش تلفات در حوادث حین کار و تأکید بر رعایت نکات ایمنی به ویژه در موارد کار در ارتفاع، یادآور می‌شود، در ۱۰ سال گذشته (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲) ۱۲ هزار و ۲۳۶ تن در حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند.

به گزارش ایرنا از سازمان پزشکی قانونی کشور، از مجموع تلفات حوادث کار در چهار ماه امسال، ۶۵۱ تن مرد و شش تن زن بودند، این در حالی است که در مدت مشابه سال قبل،

موفقیت اعتصاب کارگران پروفیل ساوه،

کارگران نورد لوله صفا در اعتصاب

اتحادیه آزاد کارگران ایران:

به دنبال چهار روز اعتصاب کارگران پروفیل ساوه و تلاش‌های کارفرما و دادستانی ساوه برای درهم شکستن این اعتصاب، دیروز بر اساس جدول توافقی خرداد میان کارگران و کارفرما*، دستمزد این کارگران به حساب‌شان واریز شد و پس از وعده‌ی مساعد مدیریت کارخانه مبنی بر



اطلاعه‌ها:

اقدامات ضد کارگری دولت روحانی باید متوقف شود

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که زندگی و معیشت ما کارگران در بدترین وضعیت ممکن در تاریخ معاصر کشور قرار دارد، به طوری که بنا بر اذعان نهادهای رسمی حکومتی، خط فقر نزدیک به دو میلیون و پانصد هزار تومان است و حداقل مزد کارگران ششصد و هشتاد هزار تومان و حداکثر دریافتی آنان با روزانه ۱۲ ساعت کار، به طور میانگین هشتصد هزار تومان است. تازه این میزان از دریافتی فقط شامل کارگران مشمول قانون کار است و به میلیون‌ها کارگر در بخش خدمات و در شرکت‌های خصوصی حتی پایین‌تر از حداقل مزد پرداخت می‌شود. تحمیل چنین مزد خفت‌باری بر ما کارگران به مثابه اکثریت عظیم مردم ایران، امروزه چنان شرایطی را پدید آورده است که بنا بر گزارش‌های رسانه‌های رسمی، میلیون‌ها خانواده‌ی کارگری از تامین حداقل‌هایی برای بقا از قبیل فرآورده‌های لبنی و میوه و گوشت ناتوان هستند و سوءتغذیه در میان آنان بیداد می‌کند. با این حال نه تنها مسئولین حکومتی از چنین وضعیت دردناکی ککشان نمی‌گذرد، بلکه دولت روحانی از زمان روی کار آمدنش، تامین منافع مافیای قدرت و ثروت را تنها هدف خود قرار داده است و در سکوت خبری و تحلیلی رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی بر اقدامات فراقانونی خود جهت نابودی حداقل‌های موجود در مورد زندگی و معیشت ما کارگران در قوانین کشور افزوده است و برخی از این اقدامات را جنبه‌ی عملی و قانونی داده است.

این دولت بلافاصله پس از روی کار آمدن و در راستای تامین منافع مافیای شرکت‌های بزرگ پیمانکاری در صنایع بزرگی همچون نفت و فولاد و پتروشیمی و خودروسازی، بخشنامه‌ای را در لغو مصوبه‌ی هیات وزیران دولت پیشین مبنی بر حذف شرکت‌های پیمانکاری ابلاغ کرد و با گماردن یک مسئول امنیتی بر صدارت وزارت کار، مهندسی مطالبات و سرکوب اعتراضات کارگری را در دستور گذاشت و در ادامه با دور زدن ماده‌ی ۴۱ قانون کار و دستگیری چهار تن از هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار نفری کارگران، حداقل مزد تحقیرآمیز و فلاکت‌باری را بر ما تحمیل کرد و از همان اول سال با تعیین کارگروهی با پیش کشیدن مباحثی هم‌چون تعیین حداقل مزد بر اساس بهره‌وری و مسائلی از این دست، آشکارا پایان عمر ماده‌ی ۴۱ قانون کار را اعلام نمود و اخیراً نیز با ابلاغ بخشنامه‌ی دیگری در مورد حذف اضافه‌کاری از کسورات کارگران و کارمندان استخدام کشوری، تلاش شکست‌خورده‌ی دولت احمدی‌نژاد را برای تحمیل حقوق ناچیزی از بازنشستگی به میلیون‌ها کارگر و کارمند مشمول خدمات کشوری تحقق بخشید.



۶۲۴ مرد و هشت زن در حوادث کار جان خود را از دست دادند.

بر اساس این گزارش، در این مدت استان‌های تهران با ۱۹۰، خراسان رضوی با ۵۰ و البرز با ۲۸ تن بیشترین و استان‌های بوشهر، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد با دو، ایلام و لرستان با سه و کردستان و خراسان جنوبی با چهار تن، کمترین آمار تلفات حوادث کار را داشته‌اند.

مطابق آمارهای موجود در حوادث کار چهار ماهه‌ی امسال سقوط از بلندی با ۴۵ درصد بیشترین علت مرگ در حوادث کار را به خود اختصاص می‌دهد و پس از آن اصابت جسم سخت با ۲۴.۵ و برق‌گرفتگی با ۱۲.۳ درصد از عمده‌ترین دلایل مرگ در حوادث کار به شمار می‌آید.

در حوادث کار چهار ماهه‌ی نخست ابتدایی امسال، ۱۰ هزار و ۱۰۹ مصدوم حوادث کار به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲.۴ درصد رشد داشته است.

در تیر ماه امسال نیز ۱۹۶ تن در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، رشد ۱۲ درصدی را نشان می‌دهد.

مرگ‌های ناشی از حوادث کار طی سال‌های گذشته روندی صعودی داشته، به طوری که این آمار از ۶۹۷ فوتی این حوادث در سال ۸۳، به یک‌هزار و ۹۹۴ تن در سال ۹۲ رسیده است.



می‌کرد، در مورد این لایحه و سایر اقدامات فراقانونی و ضدکارگری دولت روحانی سکوت پیشه کرده‌اند. ما یک بار با اعتراض خود در دولت پیشین، موفق شدیم اعمال تغییرات ضدکارگری‌تر در قانون کار را عقب بزنیم این بار نیز می‌توانیم و باید متحد و یک‌پارچه از هر طریق ممکن دست به اعتراض بر علیه تصویب احتمالی ماده‌ی ۲۹ «لایحه‌ی حمایت از تولید» بزنیم و اجازه ندهیم آخرین ذره‌های امنیت شغلی را از ما سلب کنند.

زنده باد اتحاد و همبستگی

سراسری کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۳ شهریور ماه ۱۳۹۳

صدور حکم ضد انسانی شلاق علیه کارگران را محکوم می‌کنیم

شعبه‌ی ۱۰۳ دادگاه عمومی بندر امام چهار تن از نماینده‌های کارگران پتروشیمی رازی را به شش ماه حبس و پنجاه ضربه شلاق محکوم کرد. این اولین بار نیست که چنین حکمی از سوی محاکم قضایی بر علیه کارگران معترض صادر می‌شود.

سال هشتاد و شش، ۹ تن از کارگران عضو اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران را به همراه دو کارگر دیگر در شهر سنج به خوردن ضربات تازیانه محکوم کردند که در ادامه با اعتراضات گسترده‌ای که توسط اتحادیه و سازمان‌های کارگری جهانی انجام شد این احکام به استثنای یک مورد لغو گردید.

اما صدور چنین احکامی در شرایط حاضر به طور ویژه‌ای ریشه در سیاست مدون شده‌ی دولت روحانی در برخورد به اعتراضات صنفی و محلی کارگران قرار دارد. روزی نیست که این‌گونه اعتراضات کارگری با برخورد قهرآمیز نیروهای امنیتی و انتظامی و قوه‌ی قضاییه مواجه نشود.

همین امروز و به دنبال اخراج چهار کارگر معترض کارخانه پروفیل ساوه که برای دفاع از حقوق‌شان در مقابل کارخانه حاضر شده بودند، مامورین اطلاعاتی به دستور دادستانی در محل حاضر و مانع ورود آنان به محل کار خود شدند و در ادامه دادستان ساوه همچون نگهبان چماق به‌دستی به این کارگران با توپ و تشر اعلام کرد که بروید خدا را شکر کنید که زندان نمی‌اندازمتان.

اینان قرن حاضر را با نظام برده‌داری هزاران سال پیش اشتباه گرفته‌اند. وقتی یک دادستان به کارگرانی که در نتیجه‌ی

این‌ها تنها گوشه‌ای از اقدامات فراقانونی و ضدکارگری حکومت برای شخم زدن هر حداقلی است که تاکنون زندگی و معیشت ما کارگران و مزدبگیران را در بخش خصوصی و صنایع و نهادهای دولتی در حد بقا و نفس کشیدن سرپا نگاه داشته بود.

اما این اقدامات از سوی دولت روحانی پایانی ندارد و این دولت با تلاش برای امید دادن به مردم و ما کارگران در زمینه‌ی رفع تحریم‌ها، به طور خزنده و گام به گامی در حال نابود کردن هست و نیست ماست. همین امروز قیمت فراورده‌های لبنی آزاد اعلام شد و لایحه‌ای از ماه‌ها پیش در دستور دولت قرار گرفته است که توسط برنامه‌ریزان در وزارت صنایع تحت عنوان «لایحه‌ی حمایت از تولید» ارائه شده است.

بر اساس این لایحه، امتیازات فراوان و بذل و بخشش‌های قجر منشانه‌ای به صاحبان قدرت و سرمایه و ثروت عطا شده است اما چیزی که در این لایحه بسیار قابل تامل است حمله به آخرین ذره امنیت شغلی ما کارگران است.

طبق این لایحه و در صورت تصویب آن، با اضافه کردن بندی تحت عنوان بند "ح" به ماده‌ی ۲۱ قانون کار، همه‌ی کارفرمایان و منجمله دولت به عنوان کارفرمای بسیاری از صنایع و نهادها می‌توانند به بهانه‌ی کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فناوری، صدها هزار کارگر شاغل را از کار اخراج کنند.

اعمال بندی تحت عنوان بند "ح" در ماده‌ی ۲۱ قانون کار از طریق اعمال تغییرات ضدکارگری‌تر در این قانون، در دستور دولت پیشین نیز قرار داشت اما در آن زمان ما کارگران با هوشیاری و سازمان‌دهی اشکال مختلفی از اعتراضات توانستیم برگشت اعمال تغییرات ضدکارگری‌تر در قانون کار و منجمله ماده‌ی ۲۱ را از مجلس شورای اسلامی تضمین کنیم.

کارگران و همکاران شاغل در بخش‌های خصوصی و دولتی

«لایحه‌ی حمایت از تولید» هنوز به تصویب نرسیده است، تصویب ماده‌ی ۲۹ این لایحه و اعمال بند "ح" در ماده‌ی ۲۱ قانون کار که مد نظر این لایحه است مترادف خواهد بود با اخراج صدها هزار نفر از ما در بخش‌های دولتی و خصوصی.

همه‌ی رسانه‌های رسمی به جز بخش اندکی از آن‌ها که فقط خبر را منتشر کرده‌اند در برخورد به این لایحه سکوت پیشه کرده‌اند. رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی، کمپسیون کارگری مجلس و حضرت محبوب!! که در دوره‌ی دولت احمدی‌نژاد، داد و فغان کارگر خواهی‌اش گوش فلک را کر



جمعی از کارگران قراردادی سیمان لوشان در استان گیلان، (۲۴ شهریور) با سفر به تهران در اعتراض به بلاتکلیفی ۵۵ تن از همکارانشان در نتیجه تعطیلی این واحد تولیدی، مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان تجمع کردند.

نماینده‌ی کارگران کارخانه‌ی آجرپزی نکا از تعویق ۲ ماه حقوق ۸۰ تن از کارگران این کارخانه به سبب کمبود منابع مالی خبر داد.

گرسنگی و عدم دریافت ماه‌ها حاصل زحمت‌شان مجبور به اعتراض و دادخواهی شده‌اند، این‌گونه برخورد می‌کند، معلوم است که در چنین سیستمی هم‌چون دوران بربریت کارگر را زمین می‌خوابانند و شلاق نیز می‌زنند. باید در برابر این بربریت سازماندهی شده ایستاد و حکم شلاق و تازیانه بر پشت کارگران را به یک اعتراض گسترده و سراسری تبدیل کرد.

اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران با فراخوان به کارگران پتروشیمی رازی و عموم کارگران در سراسر کشور برای اعتراضی قدرتمند در برابر احکام شلاق و زندان بر علیه نماینده‌های کارگران پتروشیمی رازی، صدور حکم شنیع و ضدانسانی شلاق را بر علیه این کارگران قویا محکوم میکند و با هشداری به نتیجه‌ی عدم لغو فوری این احکام اعلام می‌دارد نسبت به ابقای این احکام ساکت نخواهد نشست و از هیچ تلاش اعتراضی برای لغو آن فرو گذار نخواهد کرد.

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران – 24 شهریور ماه

ادبیات کارگران:

اوینگن برنولت فریدریش برشت:



می‌شنویم که تو خسته‌ای

می‌شنویم، که تو دیگر نمی‌خواهی با ما کار کنی

واداده‌ای، دیگر نمی‌توانی فعالیت کنی

... بسیار خسته‌ای، دیگر نمی‌توانی بیاموزی

از دست رفته‌ای

دیگر نمی‌توان انجام کاری را از تو چشم داشت

پس بدان:

ما این همه را از تو می‌خواهیم

هنگامی که خسته به خواب می‌روی

دیگر هیچ‌کس تو را بیدار نخواهد کرد و نخواهد گفت:

برخیز غذای تو آماده است

چرا باید غذا آماده باشد؟

هنگامی که تو دیگر نمی‌توانی فعالیت کنی،

در گوشه‌ای خواهی افتاد

هیچ‌کس تو را جست‌وجو نخواهد کرد و نخواهد گفت:

"بلوایی به پا شده و کارخانه‌ها در جست‌وجوی تو اند"

چرا باید در جست‌وجوی تو باشند؟

زمانی که مُردی، تو را دفن خواهند کرد

خواه مرگ تو زاده‌ی خطایی تو باشد یا نه

تو می‌گویی:

"مدت دراز جنگیدم، اما حال دیگر نمی‌توانم"

اخبار کوتاه:

کارگران کارخانه‌ی کاشی «گیلانا» در اعتراض به عدم پرداخت ۱۶ ماه از دستمزد خود مقابل فرمانداری شهرستان رودبار تجمع کردند.

کارگران معدن ذغال سنگ البرز غربی واقع در روستای سنگرود (استان گیلان) در اعتراض به تعویق ۲ ماه حقوق، دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی تونل شماره ۹ این معدن دست به تحصن زدند.

نماینده‌ی کارگران کارخانه «گلریز شوشتر» از بلاتکلیفی حدود ۹۰ کارگر این واحد تولیدی بعد از واگذاری به بخش خصوصی خبر داد و گفت: بر خلاف وعده‌ها، این تعداد کارگر از سال ۸۹ بیکار شده‌اند و حقوقی دریافت نکرده‌اند.

کارگران کارخانه‌ی «نورد و لوله صفا» در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی و بیمه‌ای خود در محوطه‌ی کارخانه تجمع کردند.

یکی از کارگران حاضر در این تجمع به ایلنا گفت: در این واحد صنعتی نزدیک به هزار کارگر مشغول به کارند که دستمزد ماه‌های خرداد، تیر و مرداد سال جاری را دریافت نکرده‌اند.



کودک به واسطه‌ی کار، از رشد و تفریح باز می‌ماند. بسیاری از کودکان زمانی که از دستگاه‌های تولیدی استفاده می‌کنند صدمه می‌بینند، مثل کودکی که با دستگاه پرس کار می‌کند، کودکی که با مواد شیمیایی شلوار جین را کهنه می‌کند و...

بر اساس پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک که مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ تصویب و از ۲۲ مرداد ۱۳۷۳ (برابر با ۲ آگوست ۱۹۹۴) برای کشور لازم‌الاجرا کرد، برخورداری از آموزش و پرورش حق هر کودک است و دولت‌ها باید امکان آموزش ابتدایی رایگان و اجباری را برای همگان فراهم آوردند. همچنین کودک حق بازی، تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری را دارد. بر اساس مواد این پیمان‌نامه کودک باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می‌کند، حمایت شود.

ضرورت قوانین خاص برای کودکان از این اصل اساسی روان‌شناسی ناشی می‌شود که کودکان نه تنها از نظر کمیت، بلکه از نظر کیفیت با بزرگسالان تفاوت‌های اساسی دارند و خواست‌ها، نیازها و ویژگی‌های خود را دارند. بنابراین از نظر حقوقی نیز، نیاز به قوانین خاصی دارند که با بزرگسالان متفاوت است. ایران به عنوان عضو از پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک، باید برای هر کودک حق طبیعی زندگی را قابل باشد، همچنین بقا و رشد کودک را تضمین کند. اما هر سال به تعداد کودکان کار اضافه می‌شود.

وقتی خشونت جنسی، کودکان کار را تهدید می‌کند!
اما یکی از آسیب‌هایی که سلامت کودک کار را تهدید می‌کند، خشونت جنسی بر کودکان کار است. **محمد لطفی نماینده‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد در اتاق فکر شورای ساماندهی کودکان کار و خیابان** با بیان این‌که کودکان کار بیشتر در کارگاه‌ها مورد خشونت جنسی کارفرما یا همکارانشان قرار می‌گیرند، به **نامه‌نیوز** گفت: "بخش خیلی کمتری از آزار جنسی بر کودکان کار از سوی خانواده‌ها و بخشی هم توسط روابط با همسالان و دوستی با بزرگ‌ترها برای کودکان اتفاق می‌افتد. در صورتی که بیشترین آزار جنسی کودکان در کارگاه‌های بسته اتفاق می‌افتد. اگر محیط کار کودکان کار را در سه دسته تقسیم‌بندی کنیم، می‌توان به کار در خیابان، کار در کارگاه (صاف‌کاری، نجاری، نقاشی و ...) و کار در کارگاه خانگی اشاره کرد".

وی با بیان اهمیت آگاهی کودکان نسبت به آزار جنسی، بیان کرد: "کودکان باید نسبت به نقاط ممنوع بدن خود آگاه شوند. اما تا وقتی که آموزش مسائل جنسی تابو است این کار به سختی صورت می‌گیرد. اما در این‌جا موضع پایین کودکان به دلیل فقر مطرح است. کودکان وقتی در موضع فقیرانه قرار می‌گیرند، صاحب‌کار برای پرداخت پول بیشتر از بدن کودکان سوءاستفاده می‌کند.

پس گوش کن تو خواه خطاکار باشی خواه نه، هنگامی که دیگر نمی‌توانی بجنگی، نابود خواهی شد تو می‌گویی:
"مدت دراز امیدوار بودم- دیگر نمی‌توانم امیدوار باشم"
به چه امید بسته بودی؟ به این‌که جنگ آسان است؟ این سخن مقبول نیست روزگار ما از آن‌چه می‌پنداشتی بدتر است. روزگار ما چنین است. اگر ما کاری ابرمردانه انجام ندهیم معدومیم اگر نتوانیم کاری کنیم که هیچ‌کس از ما انتظار ندارد، از دست رفته‌ایم دشمنان ما منتظرند تا خسته شویم، هنگامی که نبرد در شدیدترین مرحله است جنگ‌جویانی که خسته‌ترند شکست‌خوردگان صحنه‌ی نبردند

گزارش:

فقر؛ زمینه‌ساز آزار جنسی کودکان کار



آیدین پورخامنه
پایگاه تحلیلی خبری نامه

نماینده‌ی «سازمان‌های مردم‌نهاد در اتاق فکر شورای ساماندهی کودکان کار و خیابان» درخصوص خطراتی که کودکان کار را تهدید می‌کند، می‌گوید:
کودکان کار مجبور می‌شوند از بدن خود به عنوان کالایی استفاده کنند تا هم شغل خود را حفظ کنند و هم درآمد بیشتری داشته‌باشند

هر سال شاهد افزایش آمار تعداد کودکان بازمانده از تحصیل هستیم که خود نشانه‌ی افزایش تعداد کودکان کار است. کودکانی که برای تامین مایحتاج خانواده مجبور به کار می‌شوند و از جنبه‌های مختلف مورد آزار قرار می‌گیرند



پس باید در نظر داشت بیشتر از ناشناخته بودن مسائل جنسی، این بخش قضیه مطرح است."

می‌کنند. باید دانست کودک خیابانی کودکی است که سرپناه و خانواده ندارد، در خیابان زندگی می‌کند.

لطفی تاکید می‌کند: "خیلی از کودکان مجبورند برای این کار خود را حفظ کنند یا چون می‌ترسند، شرایط را تحمل کنند. من کودکی را می‌شناسم که مورد تجاوز صاحب کار در کارگاه قرار می‌گیرد و با تعریف این اتفاق، از مادرش کتک می‌خورد. این کودک باید فردا دوباره سر همان کار برود. وقتی از کودک پرسیده می‌شود که چرا رفتی؟ جواب می‌دهد چون اگر نروم از گرسنگی می‌میرم. اگر بخواهم تقسیم‌بندی کنم، درصد کمی از آزارهای جنسی بر اثر ناآگاهی کودک اتفاق می‌افتد ولی بیشترین دلیل این است که کودکان مجبور می‌شوند از بدن خود به عنوان کالایی استفاده کنند تا هم شغل خود را حفظ کنند و هم درآمد بیشتری داشته‌باشند."

بعضی کودکان در خیابان کار می‌کنند ولی خانواده هم دارند. مثل کودکی که جوراب‌فروشی می‌کند یا فال می‌فروشد ولی شب به خانه می‌رود. بعضی کودکان در کارگاه‌ها کار می‌کنند مثل کفاشی‌ها، خیاطی‌ها و لوسترسازی‌ها و میل‌سازی‌ها و یک سری کودکان هم در کارگاه‌های خانگی کار می‌کنند یعنی خانه‌ی آن‌ها کارگاه‌شان هم هست.

در انواع این کارها تجاوزها متفاوت است. آسیب‌های کودکی که در کارگاه کار می‌کند با کودکی که در خیابان کار می‌کند متفاوت است."

کارگاه‌ها، خطرناک‌ترین مکان برای کودکان کار

وی احتمال آزارجنسی به کودکانی که در کارگاه‌ها کار می‌کنند را بالاتر دانست و بیان کرد: "معمول به این صورت است که کودکانی (فرقی نمی‌کند دختر یا پسر) که در کارگاه‌ها کار می‌کنند چون دور از دسترس هستند، بیشتر مورد خطر تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.

برای کودکانی که در خیابان کار می‌کنند کودک آزاری متفاوتی وجود دارد. کودکانی که در کارگاه‌های خانگی کار می‌کنند، محیط خانه امنیت جنسی را تا حدودی نسبت به کودکانی که در کارگاه کار می‌کنند تامین می‌کند.

ولی در همین نوع هم کودکان از طرف دایی و عمو و در کل اقوام مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند. شاهد تجاوز عمو و دایی حتی برادر و پدر بر کودک در طول چند سال فعالیت خود بودم. به این معنی که کودک با این که در ارتباط با خطرهای محیط بیرون از خانه نیست، اما هنوز در خطر است."

لطفی با اشاره به گستردگی تعریف خشونت بر کودک کار که شامل توهین و تحقیر تا مسئله‌ی کار کودک، گفت: "تعدادی از کودکانی که در خیابان کار می‌کنند در حین فروش مورد تعرض قرار می‌گیرند، که این احتمال برای دختران در سن بلوغ بیشتر است.

یا به کودکان پیشنهاد می‌شود، یعنی در محیط‌هایی هستند که افراد این کودکان را طعمه کرده و به بهانه‌ی غذا یا پول اضافی سوار کرده و مورد تعرض قرار می‌دهند. یا کودک کاری که برای تمیز کردن به خانه دیگران می‌رود مخصوصاً دخترانی که به سن بلوغ رسیده‌اند، دیده شده به آن‌ها پیشنهادی برای پول بیشتر در صورت برقراری رابطه‌ی جنسی می‌دهند.

یعنی آزار جنسی کودکان کار شکل‌بندی‌های متفاوتی دارد که من وارد شکل‌هایش که برای مثال مکانیکی‌ها چه شکلی دارد و خیاطی‌ها چه شکلی، نمی‌شوم."

این فعال حوزه‌ی کودکان در مورد رفتار صحیح با کودک آسیب‌دیده بیان کرد: "رفتار صحیح با کودک آسیب‌دیده

خانواده‌ی گسترده، حامی یا آسیب‌ساز

این عضو انجمن دفاع از کودکان کار و خیابان در خصوص تاثیر خانواده‌ها بر کودکان در مواجهه با آزار جنسی، گفت: "خشونت جنسی در محیط کار در خانواده‌های هسته‌ای بیشتر از خانواده‌های گسترده است. در حالی که تجاوز خانوادگی، در خانواده‌های گسترده بیشتر از خانواده‌های هسته‌ای است. خانواده‌ی گسترده یعنی خانواده‌ای که در آن عمو، عمه، خاله و دایی یعنی بستگان درجه یک و دو در روابط نزدیکی با یکدیگر زندگی می‌کنند. قبلاً این‌طور بود که یک‌جا زندگی می‌کردند ولی امروزه یک‌جا زندگی نمی‌کنند ولی با هم زندگی می‌کنند. یعنی روابط تنگاتنگی دارند. خانواده‌های هسته‌ای به طور معمول از پدر و مادر و فرزندان تشکیل شده که رابطه‌ی وابسته‌گونه و شدیدی با اقوام ندارند و مستقل‌تر زندگی می‌کنند.

وی ادامه داد: در خانواده‌های هسته‌ای کودکان بیشتر تحت تجاوز و آسیب از طرف صاحب‌کار قرار می‌گیرند چون در شبکه‌ی روابط حمایت‌گرا قرار نمی‌گیرند. این کودکان وقتی بیکار می‌شوند، کسی از آن‌ها حمایت نمی‌کند پس مجبورند که کار خود را حفظ کنند که موجب می‌شود موضع کودک پایین بیاید. وقتی موضع کودک پایین می‌آید و کارفرما هم از این وضعیت آگاه می‌شود، از کودک سوءاستفاده‌های مختلف می‌کند. اما اگر کودک در خانواده‌ی گسترده زندگی کند، عمو، عمه، خاله و دایی می‌توانند از کودک حمایت کنند. و اگر یک فرد از خانواده‌ی گسترده بیکار باشد، تا زمانی که کار به دست آورد، بقیه‌ی اعضا کمک می‌کنند یا کودک را در جایی که خود مشغولند کار می‌دهند."

لطفی با بیان بالا بودن احتمال تجاوز به دختران در خانواده‌های گسترده اظهار کرد: "این در حالی است که در محیط کار این آسیب برای دختران و پسران یکسان هست. وقتی سن دختران بالا می‌رود، کمتر در خارج از منزل کار



بیان کرد: "رفتار صحیح با کودک آسیب‌دیده بستگی به مورد دارد. ما با کودکانی که چنین آسیبی می‌بینند در بخش روانشناسی مشاوره و از طرفی از لحاظ حقوقی پیگیری می‌کنیم. هر نوع مخفی‌کاری به این نوع که آسیب را مخفی کنیم چون هویت فرد آسیب‌دیده نباید مشخص شود، صحیح نیست. ولی به دلیل این که این آسیب وجود دارد، لذا کودکان باید آگاه شوند. تا اگر مورد تعرض قرار گرفتند بدانند که مشکل را از خود ندانسته و خود را گناه‌کار ندانند. در هر صورت مشاوره‌های تخصصی روانکاو و مددکاری قطعاً باید در دستورکار قرار بگیرد."

حقوق کودکان مهاجر و ایرانی در مورد آزار جنسی یک‌سان است

لطفی در خصوص حقوق کودکانی که مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند، گفت: "کودک‌آزاری یک مفهوم عام است. اگر این اتفاق برای کودک افغان بدون کارت هم پیش بیاید، می‌شود بر علیه کسی که این جرم را مرتکب شده شکایت کرد. این‌طور نیست که چون کودکی کارت ندارد نمی‌توان از او حمایت کرد. می‌توان از کودکان مهاجر هم وقتی مورد بزه قرار می‌گیرند حمایت کرد. معمولاً این‌طور فکر می‌کنند که به کودک کار افغانی که مورد آزار قرار گرفته نمی‌توان کمک کرد."

وی افزود: "موردی ریشه‌ای‌تر وجود دارد. جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی خشن است که ساختار خشن دارد. ساختار خشن، انسان خشن می‌آفریند. در یک ساختاری که فقر و بیکاری هست و تمایلات جنسی برآورده نمی‌شود، تاخیر در ازدواج وجود دارد و... نمی‌توان این‌ها را در نظر نگرفت و خواست که جامعه‌ای بری از هر گونه خشونت جنسی و جسمی داشت. ما خیلی از مواقع، عواملی که موجب این چرخه می‌شود را در نظر نمی‌گیریم و معمولاً به معلول‌ها می‌پردازیم یعنی می‌رویم روی بلایی که بر سر فرد آمده تمرکز می‌کنیم ولی نمی‌بینیم که چه عواملی باعث شده که فردی چنین رفتار کند."

این فعال حوزه کودکان کار تصریح کرد: مثل «بیجه» و «خفاش شب»، هیچ‌کس درباره‌ی این که هر دو این افراد مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند صحبت نکرد و جامعه از آن‌ها حمایت نکرد. چه ساختاری باعث شد که برای این افراد چنین اتفاقی بیافتد که بخواهند انتقام‌گیرندگان و بزه‌دیدگان آینده شوند. ما همیشه یک نگاه فرآیندی و پروسه‌ای داریم که فرض را ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نمی‌گذارد. فردی که قربانی است و مورد بزه قرار گرفته را مجرم می‌شناسند. آن هم یا این تفکر که تو بی‌عرضه بودی که نتوانستی از خود حمایت کنی!"